

بررسی اجرت المثل زنان برای کارهای منزل از منظر فقه امامیه

فهیمة سادات حسینی^۱

چکیده

شارع مقدس، برای تمام ابعاد زندگی انسان اعم از فردی و خانوادگی، حقوق و تکالیفی را وضع کرده که برخی از آنها ناشناخته است. یکی از این حقوق، مسئله اجرت برای خدماتی است که زن در منزل شوهر انجام می دهد، اما جزو وظایف شرعی و قانونی او نیست. هدف از این پژوهش، تبیین دیدگاه فقها برای آگاه سازی زنان نسبت به حقوق شرعی خود است. مبنای فقهی اصل اجرت المثل، قاعده «احترام مال مسلم» بوده که مستند آن روایت بنای عقلاء و تسالم فقهاء است؛ بدین معنا که هر چند انسان آزاده، خودش مال نیست، ولی کار او مال محسوب شده و مقتضای احترام مال، مسئولیت و ضمان است. این مسئله از جمله مسائل مورد اجماع فقهای امامیه بوده که منوط به امرآمر و عدم قصد تبرع عامل می باشد. با اثبات اصل مشروعیت اجرت المثل به طور عام در فقه امامیه، همین موضوع در مورد خدمات زنان در منزل، ثابت می شود. البته تحقق این امر نیز منوط به امر مرد به زن برای انجام خدمات منزل، عدم قصد تبرع، اجرت داشتن کار نزد عرف و واجب نبودن اعمال انجام شده توسط زن است.

واژگان کلیدی: اجرت المثل، عدم تبرع، ضمان، احترام مال مسلم، فقه امامیه.

۱. مقدمه

یکی از مقدس ترین نهادها نزد خداوند، نهاد خانواده است؛ بنابراین آیات و احادیث فراوانی در مورد جایگاه، وظایف و حقوق اعضای خانواده بیان شده است. قوام و تعالی خانواده در سایه شناخت حقوق و تکالیف میسر می شود؛ برخی از این حقوق مانند پرداخت نفقه توسط مرد و لزوم تمکین زن، بسیار روشن و بدیهی بوده و همه از آن آگاهند. در مقابل، برخی از حقوق دیگر مانند اجرت المثل در هاله ای از ابهام قرار دارد. این ابهام تا حد زیادی قابل توجیه است؛ زیرا در فقه امامیه، مسئله اجرت، برای خدماتی که زن در منزل شوهر انجام می دهد و جزو وظایف شرعی و

۱. دانش پژوه کارشناسی فقه و اصول، مجتمع آموزش عالی بنت الهدی، جامعه المصطفیٰ ﷺ العالمیه، از افغانستان.

قانونی او نیست، به طور مستقل ساخته و پرداخته نشده است. تعدادی از فقهای متقدم و متأخر به صورت پراکنده، بعضی مصادیق خدمات زن، مانند شیردادن فرزند و اجرت گرفتن از پدر و یا از اموال فرزند را بیان کرده‌اند. در آراء بعضی از آنان به روشنی انجام کارهای منزل از حیطة وظایف شرعی زن خارج شده، اما در مورد استحقاق زن به دریافت اجرت المثل سخنی بیان نشده است. حقوق دانان، برای اثبات و توجیه ماده قانونی که قائل به حق دریافت اجرت المثل برای زن در قبال خدمات منزل است از مبانی فقهی آن در قالب مقالاتی مانند «اجرت المثل ایام زوجیت و نحلہ با نگرشی بر قانون حمایت خانواده مصوب اسفند ۱۳۹۱» از علی اصغر حاتمی و فاطمه زبرجد، «اجرت المثل کارهای زن و نقد آرای محاکم» از محمدعلی انصاری پور و محمدحسن صادقی مقدم، «بررسی حقوق مالی زن در موارد صدور حکم طلاق به درخواست مرد: قسمت اول» از لیلی اسدی، صحبت کرده‌اند. به نظر می‌رسد مشکل این مقالات، نگاه حقوقی نویسنده به مسئله است که نتوانسته مانند یک فقیه به تبیین ابعاد فقهی آن بپردازد.

در این پژوهش نویسنده به دنبال پاسخ به این سئوالات است:

- مشروعیت دریافت اجرت المثل از دیدگاه فقهای امامیه چگونه اثبات می‌شود؟
- آیا زن در برابر انجام تکالیف خود در برابر مرد، می‌تواند مزد درخواست کند؟
- دریافت اجرت المثل، منوط به وجود چه شرایطی است؟

نویسنده می‌خواهد با بررسی این موضوع از دیدگاه فقه امامیه، دو مسئله را ثابت کند: اول) مشروعیت اصل دریافت اجرت المثل به طور عام و دریافت اجرت المثل دوران ازدواج به طور خاص.

دوم) جامع‌نگری فقه امامیه در حفظ حقوق افراد، به ویژه حقوق زنان.

۲. مفهوم‌شناسی

۲-۱. اجرت المثل در لغت

اجرت المثل، مرکب از دو کلمه «اجرت» و «مثل» است. برای «اجر» که ریشه کلمه «اجرت» است، دو معنا بیان شده، در حالیکه امکان جمع بین معانی وجود دارد. معنای اول، کرایه و دستمزد گرفتن در برابر انجام دادن عمل و معنای دوم، ترمیم و بهبود استخوان شکسته است. با جمع بین دو معنا می‌توان گفت که اجرت، وسیله‌ای است که با آن رنج و سختی که به انجام‌دهنده کار در اثر انجام کار وارد شده است، جبران می‌شود (طباطبایی، ۱۴۱۷، ۱۸/۱۸۰).

«مثل»، به معنای شبیه، نفس و ذات شیء (صادقی تهرانی، ۱۳۶۵، ۵۱/۴)، مناظره و رویارویی یک چیز با چیز دیگر است (ابن فارس، ۱۴۰۴، ۵/۲۹۶۰). اجرت المسمی، مقدار مزدی است که در عقد اجاره مشخص شده است؛ برخلاف اجرت المثل که برای تعیین مقدار آن، مزد امثال موضوع اجاره را در نظر می‌گیرند (دهخدا، ۱۳۷۲، ص ۸۸۴). براین اساس اجرت المثل، مزد و پاداشی متناسب با عمل است که انجام‌دهنده کار در برابر کار خود از موجر می‌گیرد.

۲-۲. اجرت المثل در اصطلاح

«اجر» در اصطلاح قرآن کریم، به ثواب آخرت و دنیا گفته شده است (مدرسی، ۱۴۱۹، ۱۴/۱۸۴)؛ لذا فقط در بیان نتیجه و مزد عمل خوب استعمال شده؛ برخلاف جزاء که در بیان نتیجه عمل خوب و بد به کار می‌رود (قرشی، ۱۳۷۱، ۱/۲۵)، اما کلمه «اجرت المثل»، در قرآن کریم دیده نمی‌شود. در روایات، اجر به معنای لغوی آمده است (احسایی، ۱۴۰۵، ۳/۲۵۳)، اما فقها در مورد «اجرت المثل» می‌فرمایند: «در هر جا که عقد اجاره فاسد باشد، چنانچه استیفای منفعت شده باشد، اجرت المثل واجب می‌شود؛ خواه از اجرت المسمی زیادتر باشد و خواه کمتر» (محقق حلی، ۱۴۰۸، ۲/۱۴۲). فقهاء این موضوع را جزء مسلمات دانسته‌اند (نجفی، ۱۴۰۴، ۲۷/۲۴۶).

۲-۳. اجرت المثل در فقه امامیه

پس از بررسی مفاهیم لغوی و اصطلاحی اجرت المثل، شایسته است با بحث از مبانی فقهی آن، روشن گردد، استحقاق عامل به اجرت المثل به طور عام بر چه ادله‌ی شرعی استوار است تا از این رهگذر ابتدا حجیت آن در فقه امامیه و متعاقباً در فصل آتی مشروعیت آن در استحقاق زوجه نسبت به اجرت المثل ایام زوجیت بررسی گردد.

در اخذ اجرت المثل، دو قول وجود دارد: قول اول اینکه هرگاه کسی دیگری را به عملی امر کند و آن شخص عمل را انجام دهد، ممکن است مأمور عادت دارد در ازای آن عمل اجرت بگیرد یا عمل به گونه‌ای است که عادتاً در ازای آن اجرت می‌گیرند. در این دو صورت مأمور مستحق اجرت است. قول دوم این است که اگر عمل به گونه‌ای است که عادتاً بر آن اجرت گرفته می‌شود، باید اجرت داد. هرگاه عرف و عادت بر گرفتن اجرت بر آن جاری نشده دادن آن لازم نیست.

فرق میان این دو قول در مثل عملی که در عرف و عادت بر آن اجرت نمی‌گیرند، ظاهر می‌شود و لیکن این شخص مأمور بر آن اجرت می‌گیرد. در این صورت بنا بر قول دوم مستحق اجرت نیست. و بنا بر قول اول مستحق اجرت هست و محل اشکال همین صورت است و گویا در باقی صور خلافی نباشد و دور نیست که اقوی در این صورت هم لزوم اجرت باشد. (میرزای قمی گیلانی،

مقدار اجرت المثل با توجه به عرف جامعه محاسبه می‌گردد. مثلاً اجرت و قیمت یک عمل که اجرت المسمی آن مشخص نگردیده، متناسب با عملی نظیر آن عمل در همان شرایط و مدت که اجرت المسمی مشخص دارد، سنجیده می‌شود. (هاشمی شاهرودی و همکاران، ۱۴۲۳ ق، ۲۴۹/۵)

۳. مبنای فقهی اجرت المثل و شرایط اخذ آن

مبنای فقهی اجرت المثل عبارت است از:

۳-۱. قاعده «احترام مال مسلم»

اگر شخصی به امر دیگری کاری انجام دهد، چنانچه این کار عرفاً دارای ارزش اقتصادی و بدون قصد تبرع انجام یافته باشد، آمر به اندازه اجرت المثل ضامن است. مستند ضامن، قاعده احترام است. مقصود از احترام مال مردم، مصونیت اموال آنان از تصرف و تعدی است؛ بدین معنا که اولاتعدی و تجاوز نسبت به آن‌ها جایز نیست و ثانیاً در فرض وقوع تعدی، متجاوز، مسئول و ضامن است. هر چند انسان آزاده خودش مال نیست، ولی کار او مال محسوب شده و مقتضای احترام مال، مسئولیت و ضمان است.

۳-۲. بنای عقلا

بی‌تردید، مفاد این قاعده از احکام امضایی اسلام است نه تأسیسی؛ چراکه زندگی عقلا و خردمندان بر این امر بنا شده و برای هیچ کس جای انکار نیست. به‌طور کلی، بنیان مالکیت بر این امر مبتنی است. بنابراین، روایات و مستندات نیز مؤید همین بنای عقلانی است (محقق داماد یزدی، ۱۴۰۶، ۲۱۳/۱) و قاعده احترام به مال و عمل مسلم بر مبنای احترام به حق عقلانی، مالکیت تصرف در اموال و استفاده از اعمال دیگران را مستوجب ضمان می‌داند. پس، همان‌طور که تسلط انسان بر اموال و حاصل اعمال خویش مورد اتفاق جمیع عقلا در همه ملت‌ها و مذاهب بوده، لزوم جبران خسارت از دست دادن مال یا استفاده از عمل دیگری نیز عقلانی است (احمدیه، ۱۳۸۳، ص ۹).

۳-۳. تسالم فقهاء

بین فقها در مدلول قاعده «احترام مال مسلم» تسالم است و اختلافی بین ایشان نیست؛ البته این مسأله وجود دارد که آیا دایره احترام به مال و عمل مسلم، فقط در منابع مستوفاست یا منافع غیر مستوف را هم شامل می‌شود؟ بین فقها در این مسأله اختلاف وجود دارد. نظر مشهور این است که، علاوه بر منافع مستوف، منافع غیر مستوف هم ضمان دارد (کاظمی، ۱۳۹۱، ص ۷).

۴. شرایط دریافت اجرت المثل در اجاره اشخاص

اصل پرداخت اجرت المثل، از جمله مسائل فقه امامیه بوده که بر آن ادعای اجماع شده است (هاشمی شاهرودی و همکاران، ۱۴۲۳، ۵۳/۱). شرایط و ضوابط استحقاق یا عدم دریافت مزد برای انجام دهنده کار عبارت است از:

۴-۱. امر آمر و عدم قصد تبرع

برای وضوح موضوع، لازم است حالات مختلفی که شخص به دستور دیگری کاری را انجام می دهد بیان کرد (طباطبایی، ۱۴۱۷، ۱۳۹/۱۲).

۴-۱-۱. اجیر، قصد دریافت مزد را نداشته باشد

وقتی کسی به دیگری امر کند که عملی را انجام دهد و شخص مأمور آن را انجام دهد، اگر به قصد تبرع انجام دهد، مستحق پاداش نیست، هر چند آمر، قصد پرداخت پاداش داشته باشد (مرعشی نجفی، ۱۴۰۶، ۵۴/۲) برای مثال آمر به عامل بگوید: «لباسم را بشور یا خانه ام را تمیز کن». دلیل: قصد تبرع به منزله مانعی برای ضمان بوده که سبب عدم پرداخت پاداش می شود (خلخالی موسوی، ۱۴۲۷، ص ۸۵۶).

۴-۱-۲. اجیر، قصد دریافت مزد را دارد

فرد اجیر، قصد کرده که مزد دریافت کند و کار هم از مواردی است که مستحق گرفتن مزد است؛ در این حالت، به انجام دهنده کار پاداش تعلق می گیرد، خواه آمر قصد دادن پاداش را داشته باشد یا نداشته باشد، یا مستحق پاداش گرفتن باشد یا نباشد (مرعشی نجفی، ۱۴۰۶، ۵۴/۲). البته برخی از فقها، استحقاق پاداش را از باب احتیاط دانسته اند.

۴-۱-۳. اجیر، قصد دریافت یا عدم دریافت مزد را نکند

در این حالت نیز به دلیل احترام مال مسلمان، به وی پاداش تعلق می گیرد. حال اگر آمر، مدعی قصد تبرع و عامل، مدعی قصد عدم تبرع داشته باشد، قول عامل مقدم می شود. دلیل: اولاً، قول عامل، موافق با اصل عدم تبرع است، بنابراین قصد تبرع با اصل عدم تبرع منتفی می شود. به این ترتیب، موضوع ضمان که همان عدم قصد تبرع است، محرز می شود (موسوی خویی، بی تا، ص ۳۲۹). ثانیاً، اخذ قول عامل، به مقتضای اصل احترام مال مسلمان است، اما اگر قرینه ای بر تبرع، مانند شرط تبرع در انجام عمل وجود داشته باشد، اخذ به قول آمر می شود (طباطبایی یزدی، ب، ۱۴۲۲، ص ۸۴۳).

۵. بررسی مشروعیت اجرت المثل زنان در فقه امامیه

آنچه در این نوشتار مورد بحث قرار می‌گیرد، آثار مالی کارهایی است که زن در منزل مرد انجام می‌دهد؛ بدون اینکه شرعاً یا به موجب قانون، وظیفه‌ای داشته باشد. قبل از بحث درباره شرایط استحقاق اجرت المثل مرد در برابر کارهای زن، ابتدا باید وظایف شرعی وی در خانه مرد را تبیین و سپس استحقاق مزد در برابر سایر کارها را بررسی کرد.

۱-۵. وظایف زن در زندگی زناشویی

بسیاری از زنان، منتهای خدمت و مجاهدت را در منزل همسر انجام می‌دهند، به طوری که گمان شده که انجام این امور از وظایف اصلی زنان است. این مشکل از آنجا پیدا شده که غالباً مردان و زنان گمان می‌کنند کار و خدمتی که زن در خانه مرد انجام می‌دهد و محصولی که از آن کارها به دست می‌آید به مرد تعلق دارد، بلکه گمان می‌کنند مرد حق دارد که به زن مانند یک برده یا مزدور فرمان دهد و برزن واجب است که فرمان او را در این مسائل بپذیرد (ر.ک.، مطهری، بی‌تا، ص ۲۷۶-۲۷۹) در حالی که هر یک از زوجین در قبال یکدیگر مسئول بوده و وظایفی را عهده‌دار هستند. وظایف شرعی زن در برابر مرد را می‌توان در موارد زیر خلاصه کرد:

۱-۱-۵ تمکین

تمکین در لغت بمعنی «تن در دادن» است و در اصطلاح فقهای امامیه دو معنی دارد:

اول تمکین عام

تمکین عالم، عبارت است از: حسن معاشرت زن با شوهر و اطاعت از او در امور مربوط به زناشویی. حسن معاشرت، همان اطاعت زن از شوهر است. از مصادیق این اطاعت می‌توان به سرکشی نکردن، انفاق نکردن از مال همسر و نگرفتن روزه مستحبی (بحرانی، بی‌تا، ص ۱۰-۷) و خارج نشدن از خانه بدون اجازه او (مکارم شیرازی، ۱۴۲۶، ص ۱۶۶) و... اشاره کرد.

زنی از پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در مورد حق زوج بر زوجه پرسید. ایشان پاسخ داد:

زوجه باید مطیع همسر باشد، در مقابل وی سرکشی نکند، بدون اجازه وی از اموالش صدقه ندهد، روزه مستحبی نگیرد و از منزل خارج نشود، نیاز جنسی همسر خود را برطرف کند، در مقابل همسر بوی خوش استعمال کند، با زیباترین لباس‌ها و تزئینات خود را آراسته کند و...

(بحرانی، بی‌تا، ۱۱۸/۲۳)

اطاعت زن از شوهر، مربوط به حقوق زناشویی و بیرون رفتن از منزل بوده (بهجت، ۱۴۲۸، ۱۵۱/۴) و در کارهای دیگر اطاعت بر او واجب نیست (مکارم شیرازی، بی‌تا، ۳۳۴/۲)؛ زیرا با توجه

به منابع فقهی، مصادیق نشوز کاملاً مشخص شده و کارهایی مثل سوء رفتار و ارتکاب اعمال ناروا و یا عدم اطاعت زن از شوهر در امور واجب، نشوز شمرده شده و کارهایی مانند انجام خدمات منزل، مدیریت خانه و حتی تربیت اولاد، از وظایف شرعی زنان نیست (محقق داماد، ۱۴۰۶، ص ۲۸۷؛ طاهری، ۱۴۱۸، ۳ / ۱۹۷).

دوم) تمکین خاص

تمکین خاص عبارت است از: نزدیکی جنسی با شوهر است که زن باید همیشه برای آن آماده باشد مگر هنگام بیماری که نزدیکی برای او ضرر و یا مانع شرعی داشته باشد. (امامی، ۱۳۶۸، ۴ / ۴۴۸)

۵-۲. سکونت در منزلی که شوهر تعیین می‌کند

یکی از تکالیف زندگی زناشویی برای زن آن است که در منزلی که شوهر معین می‌کند سکونت کند.

۶. شرایط اخذ اجرت‌المثل توسط زوجه

دریافت مزد توسط زن از مرد در قبال کارهای منزل، مورد اتفاق علما است (موحدی لنگرانی، بی تا، ۱ / ۴۳۵؛ بهجت فومنی، ۱۴۲۸، ۴ / ۵۵)، اما برای تحقق آن موارد زیر باید رعایت شود:

۱-۶. امر مرد به زن برای انجام خدمات منزل

زن در صورتی مستحق اجرت‌المثل است که خدمات انجام شده توسط وی در طول مدت زندگی به دستور مرد بوده باشد، اما صرف عرف بلد و ارتکاز که انجام این اعمال را جزو وظایف زن می‌داند، موجب عدم دریافت مزد نمی‌شود و اینکه عقد مبنی بر آن واقع شده، صرف تخیل است. (لنگرانی، بی تا، ۱ / ۴۳۶) در این حالت، ادعای زوجه مسموع است؛ مگر بینه‌ای بر خلاف آن اقامه شود (لنگرانی، بی تا، ص ۴۳۷).

۶-۲. عدم قصد تبرع

قصد تبرع و اقدام آگاهانه، مسقط ضمان است و در این صورت به عامل، مزدی تعلق نمی‌گیرد، هرچند آمر، قصد پرداخت مزد را داشته باشد (موسوی خویی، ۱۴۱۸، ۳۰ / ۳۹۱)؛ چرا که اگر شخص آگاهانه و با قصد تبرع کاری را انجام دهد، در حقیقت در مال خود هتک حرمت کرده و حمایت نمی‌شود (سبزواری، ۱۴۱۳، ۱۹ / ۱۷۶).

۶-۳. داشتن مزد کار نزد عرف

کاری که زن در قبال آن مزد طلب می‌کند، باید از اعمالی مانند شیردادن به طفل باشد که عرف برای انجام آن مالیت قائل است. در شیردادن به کودک، با اینکه زن اولویت دارد، اولویت وی

دلیل برپاداش نگرفتن نیست. بدین معنا اگر مادر بخواهد فرزندش را در مقابل مبلغی (برای مثال یک هزار ریال در ماه) شیر بدهد و زن بیگانه‌ای هم به همین مبلغ حاضر است، شیر بدهد، پدر باید اولویت زن را رعایت کند. (مطهری، بی تا، ۱۹/۴۱۲)

۶-۴. الزامی نبودن اعمال انجام شده توسط زن

زن، برای وظایف خود در برابر مرد، حق درخواست مزد ندارد؛ زیرا به محض عقد، این امور جزو تکالیف وی که خداوند برای ایشان قرار داده شمرده می‌شود.

۷. نتیجه‌گیری

برای اثبات حق دریافت اجرت المثل توسط زنان، ابتدا باید مسئله دریافت مزد به طور عام حل شود؛ بدین صورت که آیا افراد می‌توانند در برابر کاری که برای دیگران انجام می‌دهند، مزد بگیرند؟

به مقتضای قاعده احترام مال مسلم، می‌توان این مسئله را ثابت کرد. قاعده احترام بیان می‌کند: چنانچه شخصی به امر دیگری کاری انجام دهد که این کار دارای ارزش اقتصادی باشد و شخص عامل، قصد تبرع نداشته باشد، آمر به اندازه اجرت المثل، ضامن است. برخی، درصد خدشه دار کردن اصل قاعده «احترام مال مسلم» هستند تا از این طریق اجرت المثل را نفی کنند. در حالی که به دلیل وجود روایات دال بر صحت این قاعده، بنای عقلا و تسالم فقها، هیچ اشکالی بر این قاعده وارد نمی‌شود و به تبع آن نمی‌توان به دریافت اجرت المثل اشکالی وارد کرد؛ البته برای تعلق مزد به عامل دو شرط عدم تبرع و دستور آمر نیاز است.

همچنین برای تعلق گرفتن مزد به زن، به تحقق شرایط ذیل نیاز است:

۱. دستور مرد به زن برای انجام خدمات منزل که این شرط تحت شرایط عام اخذ اجرت قرار دارد.
۲. عدم قصد تبرع: اگر شخص، آگاهانه و با قصد تبرع امری را انجام دهد، در حقیقت به مال خود هتک حرمت کرده و مورد حمایت قرار نمی‌گیرد.
۳. پاداش داشتن کار از منظر عرف: درخواست مزد، باید متناسب با ارزش مالی عمل باشد؛ لذا خود عمل باید ذاتاً دارای ارزش مالی باشد.

۴. الزامی نبودن اعمال: زن، حق درخواست مزد در قبال وظایف خود در قبال مرد را ندارد؛ زیرا انسان، مسئول انجام وظایف و تکالیف است و دریافت مزد در برابر تکلیف معنا ندارد؛ بنابراین زن بر اساس شرایط مذکور، می‌تواند از مرد مزد بگیرد.

فهرست منابع

* قرآن کریم

۱. ابن ابی جمهور، محمد بن علی (۱۴۰۵). *عوالی اللئالی العزیزیه فی الأحادیث الدینیة*. قم: دار سید الشهداء للنشر.
۲. ابن فارس، أحمد بن فارس (۱۴۰۴). *معجم مقاییس اللغة*. قم: مکتب الأعلام الإسلامی.
۳. احمدیه، مریم (۱۳۸۳). *حق اجرت المثل ونحله دریک بررسی قانونی*. نشریه مطالعات راهبردی زنان، شماره ۲۵، ۲۹۲-۳۱۹.
۴. امامی، سید حسن (بی تا). *حقوق مدنی (امامی)*. تهران: انتشارات اسلامیة.
۵. بحرانی، حسین بن محمد (بی تا). *الأنوار للوامع فی شرح مفاتیح الشرائع (الفیض)*. قم: مجمع البحوث العلمیة.
۶. بهجت، محمد تقی (۱۴۲۸). *استفتاءات*. قم: دفتر حضرت آیه الله بهجت.
۷. خلخالی موسوی، سید محمد مهدی (۱۴۲۷). *فقه الشیعة - کتاب الإجارة*. تهران: منبر.
۸. دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۵). *لغت نامه دهخدا*. تهران: موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
۹. سبزواری، سید عبدالأعلى (۱۴۱۳). *مهذب الأحكام (للسبزواری)*. قم: مؤسسه المنار.
۱۰. صادقی تهرانی، محمد (۱۳۶۵). *الفرقان فی تفسیر القرآن*. قم: فرهنگ اسلامی.
۱۱. طاهری، حبیب الله (۱۴۱۸). *حقوق مدنی*. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۱۲. طباطبایی یزدی، سید محمد کاظم (۱۴۱۹). *العروة الوثقی (المحشی)*. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۱۳. طباطبایی یزدی، سید محمد کاظم (۱۴۲۲). *العروة الوثقی مع تعالیق الإمام الخمينی*. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۱۴. طباطبایی، سید محمد حسین (۱۴۱۷). *المیزان فی تفسیر القرآن*. قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه.
۱۵. قرشی، سید علی اکبر (۱۳۷۱). *قاموس قرآن*. تهران: دارالکتب الإسلامیه.
۱۶. کاظمی، زهرا (۱۳۹۱). *بررسی فقهی - حقوقی اجرت المثل زوجه در ایام زوجیت و میزان کارآمدی قوانین در استیفای آن*. فصلنامه فقه و حقوق خانواده، شماره ۵۷، ۶۸-۸۸.
۱۷. لنکرانی، محمد فاضل (بی تا). *جامع المسائل*. بی جا: انتشارات امیر قلم.
۱۸. محقق حلّی، نجم الدین جعفر بن حسن (۱۴۰۸). *شرائع الإسلام فی مسائل الحلال والحرام*. قم: مؤسسه اسماعیلیان.
۱۹. محقق داماد یزدی، سید مصطفی (۱۴۰۶). *قواعد فقه*. تهران: مرکز نشر علوم اسلامی.
۲۰. مدرسی، سید محمد تقی (۱۴۱۹). *من هدی القرآن*. تهران: دارمحبی الحسین.
۲۱. مرعشی نجفی، سید شهاب الدین (۱۴۰۶). *منهاج المؤمنین*. قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.
۲۲. مطهری، شهید مرتضی (بی تا). *فقه و حقوق*. بی جا: بی نا.
۲۳. مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۲۶). *أحكام النساء (لمکارم)*. قم: انتشارات مدرسه امام علی بن ابی طالب علیه السلام.
۲۴. موسوی خویی، سید ابوالقاسم (بی تا). *المستند فی شرح العروة الوثقی*. بی جا: بی نا.
۲۵. موسوی خویی، سید ابوالقاسم (۱۴۱۸). *موسوعة الإمام الخوئی*. قم: مؤسسه إحياء آثار الإمام الخوئی.
۲۶. میرزای قمی، ابوالقاسم بن محمد حسن (۱۴۱۳). *جامع الشتات فی أجوبة السؤالات*. تهران: مؤسسه کیهان.
۲۷. نجفی، محمد حسن (۱۴۰۴). *جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام*. بیروت: دار الإحياء التراث العربی.
۲۸. هاشمی شاهرودی، سید محمود و همکاران (۱۴۲۳). *موسوعة الفقه الإسلامی طبق المذهب أهل البيت علیهم السلام*. قم: مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی.
۲۹. همدانی، آقا رضا بن محمد هادی (۱۴۲۰). *حاشیة کتاب المکاسب*. قم: جناب مؤلف.